جمال خان بارکزی

۲۰۱٤/۰۳/۱٥

عـــزا داری مصلحتی...

امروز تأریخ ۱۸ حوت ۱۳۹۲ محمد قسیم فهیم درگذشت.
حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان درگذشت آقای فهیم را ضایعهٔ جبران ناپذیر دانست و به این مناسبت سه روز عزای ملی اعلام کرد و همچنان سه روز الی ۲۰ حوت، بیرق های افغانستان را نیمه افراشته ساخت.

قسیم فهیم کی بود؟

محمد قسیم فهیم که یکی از بدنام ترین چهره ها در بین جنگ سالاران افغانستان است، در دوران جهاد بنام "ملا فهیم" و بعد از دسیسهٔ جبل سراج و اشغال کابل به همکاری یک تعداد عناصری از گروه پرچم حزب به اصطلاح دیموکراتیک خلق افغانستان بنام جدید "جنرال فهیم" عهده دار وزارت امنیت در کابل گردید. فهیم نقش مهمی در جنگ های داخلی بین تنظیم ها در کابل داشت، وی بعد از "احمد شاه مسعود" و بدتر از "احمدشاه مسعود" در فعالیت های جرمی شورای نظار نقش فعال بازی می نمود، نامبرده بعد از بحران الدین ربانی و آمر صاحب مسعود بیشترین مسؤولیت جنگ های ویرانگر تنظیمی را در کابل بر عهده داشت و دارد و در مورد بخش بزرگی از ویرانی های کابل و قتل بیشتر از ٦۰ هزار باشندگان بیگناه شهر کابل، چور و چپاول، جنایت و ترور را از سال ۱۹۹۲م -۱۹۹٦م در محضر ملت افغانستان جواب ده می باشد.
وی از همان آغاز کار با گروهک شورای نظار به رهبری "احمد شاه مسعود"، مسؤول قتل ها و ترور های شخصیت ها و کسانی بود که برای "احمد شاه مسعود" خطر محسوب می شدند، و یگانه دلیل مشهور شدنش در شورای نظار و رسیدن به مقام فرد شماره دوم شورای نظار هم همین خصوصیت و طبیعت وحشی و خشونت وی بود. در دوران جهاد به قتل های متعدد بزرگان قومی و اشخاص با رسوخ متهم است، با داخل شدن به کابل قتل و ترور چندین تن از شخصیت های ملی و با رسوخ از جمله جنرال عبدالحق علومی، ارکان حرب جمال الدین عمر، عبدالرحمن وزیر هوانوردی، حاجی قدیر و غیره مستقیماً به فهیم نسبت داده می شود.

این هم مارشال افغانستان....

یکی از اعضای سابق شورای امنیت ملی امریکا، خانم "هیلاری من لورت" اعتقاد دارد که محمد قسیم فهیم شاید در توطئهٔ قتل احمد شاه مسعود هم به تأریخ ۹ سپتمبر ۲۰۰۱م نقشی داشته است.
فهیم با سقوط رژیم رژیم طالبان توسط نیروهای ناتو و امریکا باز، یک بار چانس حمایت غرب را بدست آورد، در حالیکه نیروهای امریکایی اخطار بر عدم دخول افراد مسلح به شهر کابل را داده بودند، فهیم با بی اعتنایی با افراد مسلح اش به کابل سرازیر شد، "جورج بوش" رئیس جمهور امریکا عقیده داشت که شاید به کمک این جنگ سالاران ضرورت داشته باشد، به همین دلیل عکس العمل نشان نداد، از ملایمت کار گرفت و به حمایت شان ادامه داد...
طوریکه گروه پرچم حکومت نجیب در سال ۱۹۹۲م کابل را به شورای نظار احمد شاه مسعود و جمعیت بحران الدین ربانی تسلیم داد، و آنها این انتقال قدرت را بنام "فتح کابل" بنام شان اختصاص داده بودند، وی و گروپ وحشی اش با حس خودخواهی ایکه داشتند، بازهم کوشش نمودند شکست طالبان را بنام خودشان ثبت نمایند، و برای گروهک شورای نظار لقب جدید بنام " نیروهای مقاوت" را انتخاب نمودند... این بار چون نیروهای بین المللی در صحنه حاکم بودند، این گروه دزدان نتوانستند به غارت و ویرانی های وسیع دست بزنند، این بار آنها خواهشات شان را تغییر جهت داده و کرسی های مهم دولتی را هدف قرار دادند. ربانی را بحیث رئیس حکومت، خودش معاون و وزیر دفاع، و تمام افرادش را در مقام های مهم دولتی جا زدند. ولی بعد از زمان کوتاه بعد از کنفرانس بن در اثر فشار نیروهای بین المللی و جامعهٔ جهانی ربانی مجبور به واگذاری قدرت به کرزی شد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

فهیم از همان آوان به حیث معاون ربانی و وزیر دفاع باقی ماند ولی این بار چون زمینهٔ جنگ مساعد نبود، فهیم خان به اندوختن ثروت از بیت المال مصروف شد. به هزاران جریب زمین را در موقعیت های خوب شهر کابل و اطراف آن غصب نموده و بفروش رسانید، منزل شخصی بی بی سلطانه جان، خواهر اعلیحضرت بابای ملت را در کارتهٔ پروان با تمام لوازم گران بها و تابلو های قدیمی و قیمتی آن غصب نمود. آن دهشت افگنی را به سطح پائین با حمایت از چاقو کشانش در محلات مختلف کابل ادامه داد. هر فرد از افرادش اگر به اتهام قتل، دزدی و جرایم چاقو کشی از جانب پولیس گرفتار می شد، شخصاً با آمر حوزهٔ مربوطه به تماس شده و به رهایی اش بدون قید و شرط هدایت می داد.

او در سال ۲۰۰۲ وزیر دفاع شد اما به دلیل "امتیاز دادن" به آشنایان و اطرافیانش مورد انتقاد قرار گرفت. او همچنین از سوی سازمان های مدافع حقوق بشر به اعمال خشونت و دست داشتن در قاچاق مواد مخدر متهم شد.

ساحهٔ کارتهٔ پروان را که همین منزل با شکوه غصب شده اش موقعیت داشت آهسته آهسته اشغال نمود، همهٔ خویشاوندان و نزدیکانش را جایگزین مالکان اصلی خانه های ساحهٔ درمسال {اکثراً اهل هنود} نمود، مردم را توسط افراد مسلح اش زیر فشار می گرفت تا خانه های شان را ترک گویند و یک رقم کوچک پول بعضاً دهم حصهٔ نرخ اصلی خانه را برای شان به حیث یگانه انتخاب پیشنهاد می نمود. ساحهٔ درمسال کارته پروان شکل ساحهٔ ارگ دومی را بخود گرفت، تمام جاده هایش با دیوارهای کانکریتی مسدود شدند. اطراف ساحهٔ درمسال از گردنهٔ باغ بالا الی شهرآرا به ساحه نفوذ افراد مسلح فهیم خان مبدل شد. . . کارته پروان با وجودیکه در کابل از جملهٔ موقعیت های درجه اول است، به ارزانترین منطقه از نگاه نرخ های خانه تبدیل شد، زیرا مردم جرأت نمی کردند در بین این گرگ ها حفظ عزت، ناموس و مال شان را به خطر بیندازند... صرف کسی مصون بود که با ارتباط به مارشال درین منطقه مسکن گزین می شد. هیچکس نمی توانست بدون اجازه فهیم خان منازل رهایشی و بلند منزل ها بالاتر از سه طبقه را به بهانهٔ اینکه خانهٔ مارشال از نگاه امنیتی تهدید می شود، اعمار نماید.

فهیم در سخنرانی در افتتاحیهٔ کنفرانس سه روزهٔ والیان افغانستان برعکس ادعای طرفدارانش که میگویند، وی از حکومت مردمی حمایت میکند، مخالفت و ضدیت خویش را علیه حکومت مردمی و دیموکرات اعلام نمود. مارشال فهیم گفت: "اگر تیم برنده انتخابات ریاست جمهوری عقده گشایی کند و بخواهد تیم موجود و مجاهدان؟ را نادیده بگیرد، جنگ در افغانستان شروع می‌شود." به گفتهٔ او "همهٔ مردم افغانستان برای دفاع از خود سلاح دارند و در صورت نادیده گرفتن آنها با سلاح ها به کوه می روند؟" باز در بخش دیگری از گفته هایش هراسی را که از حکومت آینده داشت نتوانست پنهان کند و چنین گفت: "در صورتی که رئیس جمهور جدید انتخاب شود، روشن است که تیم جدیدش را با خود می آورد، رئیس جمهور آینده دیگر والیان حاضر را به ولایت مقرر نمی کند."

آقای مارشال برخلاف ادعا هایی که اکنون صورت میگیرد، به حاکمیت مردم سالار معتقد نبود و انتخابات را راه حل نمیدانست و به آن باورمند نبود و بجایش بر اصطلاح " اجماع ملی" که معلوم نیست آقای مارشال از آن چی تعبیری داشت تأکید میکرد. فهیم خان میگفت "انتقال سیاسی به یک تیم بدیل نیاز دارد. این تیم را همان اجماع ملی می‌تواند بسازد؛ اجماع ملی که مورد قبول همه مردم افغانستان و تمام گروه ها در آن سهیم باشند." و تأکید می کرد که این طرح را من یک سال قبل پیشنهاد کرده بودم...

وی آقای "خلیلزاد" و برادر کرزی "قیوم خان" را امریکایی خطاب می کرد. . . در حالی که کمتر از یک سال به انتخابات باقی مانده بود. کرزی در انتخابات ۲۰۰۹م از اینکه هراس داشت که مبادا انتخابات را ببازد، و ادارهٔ جدید وی را به محکمه بشکاند، هراسی که اکنون هم وجود دارد، بار دیگر حمایت جنگسالاران از جمله فهیم، دوستم، خلیلی و محقق را جلب نمود. وهمین مسئله سبب آغاز سردی مناسبات کرزی با امریکا شد.

"کای آیدی" فرستادهٔ خاص سرمنشی ملل متحد در افغانستان و "آیکن بری" سفیر آنوقت ایالات متحده امریکا کوشش اعظمی نمودند تا کرزی را قانع بسازند جنگ سالاران را از صحنه دور کند. ولی همهٔ کوشش های آنها به یأس تبدیل شد. کرزی نمی خواست و به هیچ قیمت حاضر نبود به زدن قمار بالای قدرت شود، با ختم دورهٔ جورج بوش و به قدرت رسیدن آقای بارک اوباما در امریکا، دیگر سلسلهٔ ارتباطات هفته وار تلیفونی با کرزی توقف نموده بود، اوباما نمی خواست بیشتر ازین از جنگ سالاران بد نام حمایت نماید. ولی کرزی با نصب قسیم فهیم به حیث معاون اول، خلیلی بحیث معاون دوم و دعوت دوستم که در ترکیه تبعید بود خود را با جهان و ارادهٔ ملت افغان مقابل ساخت و این مقابلهٔ وی تا امروز بشکل شرم آور آن ادامه دارد.

چندی قبل کرزی بشکل غیر قانون یک امتیاز خاص و خارق العاده را برای یار و یاورش فهیم خان از کیسهٔ ملت قایل شد. حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان با صدور فرمانی حقوق و امتیازات مادام العمر را برای محمد قسیم فهیم، معاون اول ریاست جمهوری افغانستان منظور کرد. امتیازات داده شده به آقای فهیم شامل معاش هفت رقمی، محل رهایش، تدابیر امنیتی و داشتن جایگاه خاص در مراسم ملی است. ولی بی خبر از اینکه عمر وفا نمی کند...

فهیم و کرزی تا حال به دوستان و شرکای بسیار نزدیک تبدیل شده بودند، اینها راز های مشترک داشتند، منافع مشترک داشتند، در اختلاس ها و فساد های گسترده مشترکاً تصمیم گرفته بودند، احتمالاً شهرک های رهایشی که بالای زمین های غصب شدهٔ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دولتی و شخصی را باهم تقسیم می کردند. برادران شان " محمود کرزی" و " حصین فهیم" شرکای تجارتی در کار های بزرگ مافیایی بودند و هستند، کابل بانک را بطور مشترک غارت نمودند، نزدیک به یک ملیارد دالر را بی شرمانه به غارت بردند، کرزی برای خاموش ساختن این افتضاح بزرگ تأریخی، دست به یک حمایت بی شرمانه از برادر نازدانه اش زد، یعنی یک ملیارد دالر بیت المال را از "د افغانستان بانک" برای جبران خسارهٔ کابل بانک پرداخت. از تعقیب عدلی محمود حصین جلوگیری نمود. . . این اعمال فجیع و امثال آن دلیل ترس و دست پاچگی گروه مافیای دولتی از سر کار آمدن ادارهٔ جدید است، دلیل امضاء نکردن پیمام امنیتی و کوشش برای روی کار آوردن یک فرد دست نشانده هم برای مطمئن شدن از عدم بازپرس عدلی و قضایی گروه مافیای دولتی است...از موضوع نمی خواهم دور شوم، به بحث اصلی ما یعنی فهیم خان برمیگردیم.

احتمالات علل مرگ فهیم:

فهیم از دیریست به مریضی شکر و مشکل قلبی دچار بود، و سال چندین بار به جرمنی بخاطر تداوی میرفت، علت اصلی مرگش ظاهراً و به احتمال قوی همین است. مولانا فرید که یک فرد نزدیک به فهیم خان است، حقیقیت را در یک مصاحبه اش با یکی از تلویزیون ها بیان داشت که می تواند حقیقی ترین داستان برای مرگ فهیم باشد. مولانا فرید گفت: "فهیم چون از مریضی رنج می برد، هر صبح ساعت ده بجه از خواب بر می خواست، در همین روز تا ده بجه هنوز هم خواب بود، برادرش "جنرال ابیل" وی را صدا زد که برخیزد که امروز جلسهٔ شورای امنیت است، فهیم خان از خواب بیدار شد و گفت "بیا فشار مرا چک کن" ابیل فشار فهیم را چک نمود، فشارش خیلی پایان بود یعنی ۱۱۰-۷۰. فهیم گفت: "دوای جوشی من کجاست فشارم پائین است باید بخورم" جنرال ابیل گفت "در یخچال است باش من برایت می آورم" فهیم از جا برخواست و گفت: "نه خودم میروم می آورم"... وقتی فهیم نزدیک یخچال شد سخت به زمین خورد، وقتی ابیل نزدش آمد و پرسید: « چطور هستی؟» فهیم جواب داد: "وضع من خوب نیست" و چند لحظه بعد همان جا جان داد.
گفته می شود کرزی می خواهد حق فهیم را ادا نماید، به شریک جرمی اش خدمت کند، به شریک غصب زمین های دولتی و شخصی، به شریک دزدی هزاران ملیون دالر کابل بانک، به حمایت گرش در انتخابات مملو از تقلب ۲۰۰۹م نشان دهد که برادرش {کرزی} نامزد نیست. در حالیکه گفته شده که فهیم وصیت نموده که باید در کنار یارش احمد شاه مسعود در پنجشیر دفن شود، ولی کرزی نمی خواهد فهیم خان از وی فاصله داشته باشد، باید جاده ای در کابل بنامش شود، باید کارته ای از کابل بنامش شود و بالاخره باید تپه ای بنامش شود، به همین منظور جسد اورادر بالای تپهٔ سرای شمالی (بادام باغ) کابل دفن کردند.

یکی از هموطنان دریک پست نوشته کرده بود: "میدان هوایی کابل، میدان هوایی کندهار، میدان هوایی ننگرها و حربی پوهنتون در خطر اند" من تعجب کردم که چی خطری می تواند متوجه این ساحات شود؟؟؟ بعداً که پست را کاملا باز کردم نوشته شده بود " یکی از جا های فوق می تواند بنام فهیم خان نامگذاری گردد". . . یک روز بعد از ترس به حقیقت تبدیل شد وزارت دفاع، حربی پوهنتون را به نام این جنایتکار نامگذاری نمود. . .

در رسانه ها و شبکه های اجتماعی انترنتی از مرگش به شکل مختلطی از عزاداری و خوشی تجلیل به عمل آمد، اکثریت قاطع مردم افغانستان که وی را یک جنایتکار بزرگ تیم مسعود می دانست که ترور های شورای نظار به وی نسبت داده می شد، و همچنان نقش کلیدی وی در پهلوی احمد شاه مسعود در جنگ های ویرانگر و تباه کن کابل، وی را متهم به جنایات بزرگ ضد بشری در جنگ های تنظیمی می کند، از مرگ وی استقبال به عمل آوردند و اظهار خوشی نمودند. درعین زمان افراد وابسته به شورای نظار و جمعیت که خود را به تعبیر خود شان وارثین به اصطلاح جهاد و مقاومت می خوانند، در عزادرای و شال سوگواری مرگ فهیم نشستند. این گروه با یک سازماندهی بزرگ توانست مراسم مرگ فهیم را با نمایش قدرت برگزار نماید. . . عکس العمل مردم را از شنیدن مرگ مارشال فهیم می توانیم به سه گروه تقسیم نمائیم.

۱- گروه اول (کسانیکه مرگ وی را بحیث خبر خوش استقبال نمودند):

این گروه اکثریت خاموش را تشکیل میدهد، شامل تمام مردم از تمام اقوام باهم برادر و حق پرست افغانستان می شوند. به صورت عموم اظهار خوشی برای اکثریت مردم به دلایل مختلف کمرنگ بود، یک دلیل آن این بود که مردم نمی خواست با یک گروه از افراد مسلح که در طول سال های حکومت کرزی در ولایت کابل تقریباً حاکمیت مطلق دارند، زندگی خود و فامیل شان را به مخاطره بیاندازند، صرف کسانی توانستند عقده های دل شان را بیرون کنند که در خارج به سر می بردند و در عین زمان وابستگان نزدیک شان هم در افغانستان نبودند که کدام تهدید و خطر احتمالی متوجه زندگی شان شود. این گروه توانست با آزادی تمام از مرگ فهیم استقبال نماید.
تمام مطبوعات و رسانه های صوتی و تصویری داخلی تحت تاثیر فرمان رئیس دولت " کرزی" مبنی بر عزاداری ملی سه روزه قرار گرفتند، و دیگر هیچ چانس برای استقبال از مرگ فهیم و بیان آزاد حقایق از جانب مردم از طریق رسانه های داخلی میسر شده نمیتوانست. این میتواند یک نمونهٔ و معرف از شکل خاص آزادی بیان و دیموکراسی در افغانستان باشد. . .
در سایت های اجتماعی انترنت بخصوص فیسبوک هم در پهلوی یک تعداد انگشت شماری که شجاعانه و بدون هراس نظر شان را ابراز نمودند، مرگ وی را بحیث یک خبر خوش استقبال کردند و خطر را قبول نمودند، دیگران کسانی بودند که با نام های

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

مستعار از مرگ فهیم استقبال و خوشی نمودند. بنابر دلایل فوق می توانیم بگوئیم که برخلاف واقعیت، خوشی از مرگ وی کمرنگ تر بود.

۲- گروه دوم (عزادران حقیقی مرگ مارشال فهیم):

در بین عزاداران مرگ قسیم فهیم، یک گروه کوچک وابستگان و همسنگران جنگ او بخصوص افراد شورای نظار و حزب جمعیت اسلامی می باشند که عزاداری حقیقی را به راه انداخته اند. چون به این موضوع رنگ قومی دادند توانستند اکثریت مردم شریف پنجشیر و شمال کابل را در اشتراک مراسم جنازه و تدفین انسجام دهند. . . ولی این یک حقیقت است که جنایتکار به هیچ قوم و نژادی تعلق نمی داشته باشد...

۳- گروه سوم(کسانیکه عزاداری کاذب را به راه انداختند):

یک تعداد دیگر کسانی بودند که یک عزاداری مصلحت جویانه و چاپلوسانه را در پیش گرفتند، این گروه شامل مأمورین و کارمندان بلند رتبهٔ دولتی، وزراء و سفراء افغانستان و رهبران احزاب، اعضای مشرانو جرگه و ولسی جرگه، نخبگان سیاسی و کاندیدان ریاست جمهوری بودند. اینها صرف برای حفظ جایگاه مطمئن در عرصهٔ سیاسی در آینده برایشان، با وجودی که در دل خوشحال بودند، ولی اشک تمساح می رختند. . . با فرمان رئیس جمهور کرزی سه روز عزاداری ملی اعلان و بیرق افغانستان به حالت نیمه افراشته در آمد، کمیسیونی به ریاست داود زی وزیر داخلهٔ کشور، شامل رئیس عمومی امنیت ملی و لوی درستیز قوای مسلح جمهوری اسلامی افغانستان و دیگران، جهت اتخاذ تدابیر و تشریفات فوق العاده در مراسم تکفین و تدفین فهیم، توظیف گردیدند، این مسئله زمینه را برای هواداران وی مساعد نمود تا همه ادارات دولتی و رسانه ها را وادار به عزاداری جبری نمایند. به تمام ولایات امر گردید تا در دوایر دولتی جنازه و فاتحه غیابی برپا نمایند. وزیر داخله (داود زی) به رسانه ها امر نمود تا از نشر برنامه های موسیقی و تفریحی درین سه روز جداً خودداری نمایند. خلاصه شکل ظاهری این عزاداری بسیار متفاوت تر از شکل حقیقی آن بود.

کسانیکه که دوست داران و عزا داران فهیم را از روی ابراز پیام های تسلیت و ریختن اشک تمساح در مرگ وی از جانب رهبران، مقامات بلند رتبهٔ دولتی، رهبران تنظیم های جهادی، کاندیدان ریاست جمهوری، رهبران احزاب سیاسی و نهاد های اجتماعی، مالکان شرکت های بزرگ تجارتی و غیره محاسبه نموده اند، مطمئناً یک محاسبه غلط را انجام داده اند. . .

خمی بشکست و ماستی بریخت جهان گشت به کام کاسه لیسان

اکنون گروه های مختلف در کوشش این هستند که چطور می توانند از مرگ فهیم بهره برداری سیاسی به نفع شان نمایند، گروهی که خود را وارث فهیم میداند (افراد وابسته به شورای نظار و جمعیت)، اینها در زمان زندگی اش تمام عیش و نوش و آرامی را از کنار فهیم بدست آوردند و اکنون می خواهند بعد از مرگش هم چیزی از نامش سود ببرند و با شایعه پراگنی ها به انواع مختلف می خواهند، مرگ وی را یک قتل به اساس یک دسیسه جلوه دهند، و کوشش می نمایند موقف انتقام جویانه بخود بگیرند، تا ازین طریق حکومت و احزاب مخالف شان را تحت فشار قرار دهند. یک تعداد دیگر می خواهند این موضوع را به نفع یکی از کاندیدان مطرح جلوه دهند که گویا فهیم تصمیم داشت با یکی از کاندیدان مطرح برخلاف ارادهٔ یارانش کنار بیاید و از وی حمایت نماید، و از طرف تیم خودش طی یک دسیسه ای به قتل رسیده است و امثال آن. آوازه های ضد و نقیض در رسانه ها و شبکه های اجتماعی بخصوص فیسبوک به صورت وسیع منتشر شده دست بدست شریک می شوند. طور مثال یک شایعه ایکه گویا سخنان آقای "عقیل" پسر ارشد "قسیم فهیم" می باشد و در مورد مرگ پدرش در شبکهٔ اجتماعی فیسبوک به دو شکل به نشر رسیده است، در یک صفحه ای بنام "حقایق افغانستان" چنین پست شده است.

" ساعات قبل تماسي داشتم با عقيل فهيم و از ايشان بعد از تسليت به وي و از طريق وي به ديگر اعضاي فاميل وي در مورد وفات جناب مارشال پرسيدم، ايشان بعد از مكثي اين طور جواب دادند. دو روز قبل داكتر عبدالله عبدالله و يونس قانونی نزد پدرم آمده بودند و مه هم در خانه بودم بعد از صرف غذا داكتر عبدالله عبدالله و يونس قانونی بعد از ساعتی از صالون غذا خوري بيرون رفتند آشفته به نظر مي رسيد و ظاهراً بالاي چيزي بحث كرده بودند.

بعد از بيرون شدن پدرم چند جمله ای در زبان خود استفاده كرد يكي انكه "من نمي گذارم" دوم اينكه " بسيار پست هستند" سوم اينكه " مگر من نباشم". زمانیکه من می خواستم بیشتر از موضوع آگاه شوم، آنها چیزی به زبان نیاوردند، حتی بالایم قهر هم شدند. بعد از چند ساعتی پدرم از درد در ناحیهٔ شکم شکایت را آغاز نمود، تا نزدیک صبح ایشان را از حال برد، ایشان را به شفاخانه سردار محمد داود خان انتقال دادند، در مسیر راه حتی خون هم استفراغ نمود، بالاخره دیروز جان را به جانان سپرد و با جهان فانی وداع کرد." درینجا سایتی که این خبر را نشر می کند در اخیر می خواهد موضوع را به نفع کاندید مورد نظرش جهت بدهد، در اختتامیه این جملات را می نویسد: "این در حالی است که مرحوم قرار بود حمایت خود را از تیم تحول و تداوم اعلان نماید، و در آخرین دیدار با جنرال دوستم این موضوع را مطرح کرده بود. . ."

برعکس در صفحهٔ دیگر فیسبوک بنام" هاید عمار" گروپ دیگری خواسته همان ادعای قبلی را به نفع خودش تغییر مسیر دهد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

و چنین نوشته شده است: «از صفحهٔ قطب الدین بلخی: ساعات قبل تماسي داشتم با عقیل فهیم و از ایشان بعد از تسلیت به وي و از طریق وي به دیگر اعضاي فامیل وي در مورد وفات جناب مارشال پرسیدم، ایشان بعد از مکثي این طور جواب دادند .
دو روز قبل ضیافتي از طرف حامد کرزي به خاطر به دنیا آمدن دخترش برگزار شده بود، در آن ضیافت مهمانان زیادي دعوت شده بودند از جمله بعضي از کاندید هاي ریاست جمهوري، در آن ضیافت که خود جناب مارشال وعقیل فهیم هم تشریف داشتند بعد از صرف غذا کرزي، مارشال فقید، زلمي رسول، اشرف غنی احمد زی، جنرال وردک و کریم خرم بعد از دقایقی از اتاق طعام بطرف اتاق خاصی رفتند.
بعد از چند ساعتی پدرم از درد در ناحیهٔ شکم شکایت را آغاز نمود، تا نزدیک صبح ایشان را از حال برد، ایشان را به شفاخانه سردار محمد داود خان انتقال دادند، در مسیر راه حتی خون هم استفراغ نمود، بالاخره دیروز جان را به جانان سپرد و با جهان فانی وداع کرد." درینجا سایتی که این خبر را نشر می کند در اخیر می خواهد موضوع را به نفع کاندید مورد نظرش جهت بدهد، در اختتامیه این جملات را می نویسد: " این در حالی است که مرحوم قرار بود حمایت خودرا از تیم تحول و تداوم اعلان نماید، و در آخرین دیدار با جنرال دوستم این موضوع را مطرح کرده بود...» در این داستان گروپ وارث فهیم می خواهد عین داستان را که شاید حقیقی باشد و یا کاذب، به نفع خویش استعمال کند، و از آن بهرهٔ سیاسی ببرد...

بعضی ها پاه فراتر نهاده، و کلیپی از زلمی خلیلزاد را گذاشته اند که تقریباً هشت ماه قبل در جواب به فهیم که وی را امریکایی خوانده بود، گذاشته اند چنین می گوید " فهیم خان مریض است، ما برایش دعا می کنم که دباره صحت مند شودَ" و آن را به دسیسه ای که از جانب امریکا به راه انداخته شده است، ربط می دهند.

اکنون در حکومت مصحلتی کرزی که حدود را در مصلحت تجاوز نموده و چوکی های پائین دولتی به اجاره داده می شوند و چوکی های بلند دولتی شکل میراثی را به خود گرفته است.
نظر به قانون اساسی در صورت استعفی و یا وفات یکی از معاونین رئیس جمهور، رئیس جمهور می واند فرد دیگری را برای این کرسی پیشنهاد نموده و برای گرفتن رأی اعتماد به ولسی جرگه فرستاده شود. . . ولی اکنون جلساتی در بین افراد گروهک شورای نظار و جمعیت ادامه دارد تا جایگزین برای این سمت تعیین نمایند. . . کاندیدان احتمالی به این مقام از جانب شورای نظار عبارت اند از محمد یونس قانون، حفیظ منصور، صلاح الدین پسر بحران الدین ربانی و یا حتی پسر نابالغ فهیم خان...

پایان

۲۰۱٤/۰۳/۱۱

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ